

تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی

سعید قربانی*

چکیده

آینده‌پژوهی، حوزه نسبتاً جدیدی است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های مرتبط، دستاوردهای بسیار مهمی برای کشورها و جوامع داشته؛ به گونه‌ای که امروزه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌سازی تبدیل شده است. هم‌اینک در این زمینه از سوی کشورهای قدرتمند به منظور کسب مزیت‌های رقابتی و سلطه بر جهان مطالعات گسترده‌ای صورت می‌گیرد. این رویداد، بر اهمیت دستیابی به رویکردهای توانمندتر در عرصه آینده‌پژوهی می‌افزاید. بی‌شک، منظومه فکری اسلام، بویژه منابع شیعی، برتر از هر مکتب فکری بشری، توان تبیین راهبردی‌ترین مسائل آینده‌اندیشانه را داراست. یکی از بسترهای متعالی در این منظومه، اندیشه مهدویت است. همان‌گونه که می‌دانیم، اعتقاد به منجی آخرالزمان، مطلوب بیش‌تر ادیان بوده؛ اما ظرفیت بهره‌مندی از آموزه‌های آینده‌نگرانه مبتنی بر وحی، جز در تشیع و آموزه‌های مهدویت، در توان دیگر نحله‌ها نیست. پس، جادارد در نظام آینده‌پژوهانه مهدویت بررسی‌های جامعی صورت گیرد. نوشتار حاضر بررسی تحلیلی جامعی است در زمینه مهدویت و کارکردهای آینده‌پژوهانه آن، مبتنی بر منابع معتبر شیعی. این پژوهش، در حیطه مباحث علم‌شناسی فلسفی مشتمل بر ابعاد پنج‌گانه «معرفت‌شناسی»، «روش‌شناسی»، «هستی‌شناسی»، «ارزش‌شناسی» و «نشانه‌شناسی» خواهد بود. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان خواهد داد، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی، متضمن مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت کاربرد مناسبی دارند.

واژگان کلیدی: آینده، آینده‌پژوهی، مهدویت، آرمان‌شهر مهدوی، کارکردها.

یکی از محورهای بسیار با اهمیت و بنیادین در نظام فکری و فلسفی ادیان الهی در طول تاریخ، ایمان به غیب و امور بظاهر نادیدنی در عالم وجود بوده و هست. در واقع، هسته اصلی و جوهر آموزه‌های ادیان آسمانی، همواره بر ایمان به غیب استوار بوده است. یکی از مصادیق بارز این موضوع، ایمان به زنده بودن انسان‌های برگزیده الهی، همچون حضرت مسیح علیه السلام در آیین مسیحیت و زنده بودن پیامبران علیهم السلام، امامان معصوم علیهم السلام، شهدا و اولیای الهی در اسلام و بویژه مکتب تشیع است. بدین ترتیب، مصداق روشن انسان کامل و غایب از نظر که روزی ظهور خواهد کرد و برپاکننده نظام عدل و نیکی‌ها و پایان دهنده به شرور و بدی‌ها خواهد بود؛ قدر مشترک تمامی ادیان آسمانی است و هر کدام از آیین‌های توحیدی، او را با عنوانی خاص همچون سوشیانت، میتربه معرفی کرده است. شیعه معتقد است انسان کامل و آخرین ذخیره الهی، هم‌اینک زنده و از دیدگان غایب است؛ اما در آینده‌ای نامعلوم ظاهر خواهد شد؛ گرچه برخی از پاکان و اولیای الهی توفیق تشرف به حضور ایشان را داشته و دارند.

نظام فلسفی ایمان به انسان کامل و آخرین ذخیره الهی در مکتب تشیع یا همان مهدویت؛ در برگیرنده آموزه‌های بسیار غنی و سازنده‌ای برای تفکر آینده‌نگر بوده و هست؛ تا حدی که با تفکر و تعمق اندیشمندان در این نظام پویا می‌توان در شناخت خطوط کلی نظام آینده‌نگری اسلام و مبانی آن بهره‌های ارزشمندی به دست آورد؛ و این، واقعیتی است گران بر نظام‌های معارض و غیرهمسو با آرمان‌های متعالی اسلام؛ زیرا بخوبی می‌توان مشاهده کرد که در سطح جهانی تلاش‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد تا اندیشه آسمانی مهدویت، با تکنیک‌ها و ابزارهای هنری و رسانه‌ای و توسل به روش‌های علمی و آینده‌نگر که کارکرد سلبی دارند، استحاله گشته، یا به فراموشی سپرده شود.

هدف از این پژوهش، بررسی و شناسایی خطوط کلی آموزه‌های مهدویت در قلمرو آینده‌پژوهی است. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که بررسی آینده‌پژوهانه در عرصه مهدویت، برای ما در قلمرو پژوهش‌های آینده‌پژوهانه دارای چه

دستاوردهای نظری و عملی ویژه‌ای است.

قابل ذکر است که ورود به این بحث، به هیچ روی به معنای اثبات آموزه‌های والای مهدویت از منظر آینده‌پژوهی نیست؛ زیرا مهدویت به جهت منشأ وحیانی‌اش، متعالی‌ترین اندیشه و نظام فکری بوده و هست. از این رو، پژوهش‌هایی از این دست، بیش‌تر به دنبال ایجاد درکی بهتر از آموزه‌های مهدویت با زبان و بیان آینده‌پژوهی است.

ادبیات تحقیق

بنابراینچه گفته شد، در آغاز بر اساس داده‌ها و یافته‌های پژوهش، بر مفاهیم اولیه و مبانی نظری پژوهش گذری خواهیم داشت؛ آن‌گاه به بررسی تحلیلی موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

پیشینه آینده‌پژوهی

در طول تاریخ، یکی از جذاب‌ترین گرایش‌های بشر، آگاهی به آینده و اسرار غیب بوده است. از نخستین روزهای خلقت، تمام روش‌های پیشگویی، با شیوه‌های گوناگون در پی ترسیم و تصویرسازی آینده بوده‌اند و مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت در خصوص آینده از دیرباز تا به امروز مشتمل بر ستاره‌بینی^۱، پیشگویی^۲ و پیش‌نگری^۳ بوده است. به اعتقاد عنایت‌الله، ستاره‌بینی از این حیث اهمیت داشته که بشر میان حرکات ستاره‌ها و زندگی انسان‌ها ارتباطی احساس می‌کرده و بر این باور بوده که میان آسمان و زمین نوعی هماهنگی و ارتباط وجود دارد. در واقع، ستاره‌بینی یک سیستم هشدار اولیه برای اجتناب از مخاطرات آینده و کنترل آن بوده است (عنایت‌الله، ۲۰۰۷).

بل نیز معتقد است که نمونه‌هایی دیگر از روش‌های پیش‌بینی و غیب‌گویی^۴، مثل تعبیر

1. Astrology
2. Prophecy
3. Prediction
4. Prophecy

خواب و رویا^۱، غیب‌گویی و آینده‌خوانی از روی شعله‌های آتش^۲، ترک برداشتن استخوان کتف حیوانات^۳ و بسته شدن پنیر^۴ شناسایی شده است (Bell 2003). گفتنی است امروزه نیز بسیاری از افراد در سراسر جهان به این روش‌های سنتی همچنان پایبند هستند.

اولین نشانه‌های توجه عالمانه بشر به آینده را در عصر روشنگری می‌توان دید؛ یعنی زمانی که بشر به این نتیجه رسید که علوم طبیعی برای هر مسئله راه حلی خواهند یافت. حرکت عالمانه‌تر در عرصه آینده‌پژوهی از اوایل دهه بیستم آغاز گردید و پیشران توسعه آن، تجربیات دو جنگ جهانی اول و دوم بود. مطالعات این حوزه طی دهه ۷۰ میلادی، با تاسیس مجامع معتبر آینده‌پژوهی وارد عرصه جدیدی گردید.

امروزه، آینده‌پژوهی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای، همچون انجمن جهانی آینده مطالعه می‌شود و از قالب‌های کهن و غیرعلمی گذشته فاصله گرفته و به مجموعه گسترده‌ای از روش‌های نظام‌مند، همچون پیمایش‌های دلفی^۵، تحلیل روند^۶، پانل‌های خبرگان^۷، طراحی سناریو^۸ تبدیل شده است.

تعریف آینده‌پژوهی

تاکنون برای آینده‌پژوهی و مفهوم آن، تعاریف گوناگونی ارائه شده که در این جا به دو تعریف جامع و مهم از میان آن‌ها بسنده می‌شود:

1. Oneiromancy
2. Pyromancy
3. Scapulimancy
4. Tyromancy
5. Delphi surveys
6. Trend analysis
7. Expert panels
8. Scenario planning

تعریف جامعه‌شناختی وندل بل

آینده پژوهی، بخشی از اومانيسم یا انسان گرایی^۱ مدرن است که هم فلسفی است و هم علمی و ماهیتاً سکولار^۲ است. آینده پژوهان، یعنی فعالان حوزه مطالعات آینده تلاش می‌کنند می‌کنند از آینده رمزگشایی کنند؛ روش‌های خود را شفاف سازند؛ نظام مند و عقلایی عمل کنند و نتایج مطالعاتشان را بر مشاهدات تجربی واقعیت بنا نهند... ایشان از خلاقیت و شهود خویش نیز بهره می‌برند (Bell 2003).

تعریف معرفت‌شناختی سهیل عنایت‌اله

آینده پژوهی، بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح^۳ جهان‌بینی‌ها و پشتوانه‌های اساطیری هر آینده است. آینده پژوهی از دیرباز مشتمل بر بررسی نیروهای بیرونی و تأثیرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیشگویی - بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر؛ و ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است (عنایت‌اله، ۲۰۰۷).

با توجه به اهداف و جهت‌گیری‌های موجود در عرصه آینده پژوهی، می‌توان برای مفهوم آینده پژوهی تعریف زیر را به عنوان تعریف مختار و پیشنهادی ارائه کرد:

آینده پژوهی در مفهوم نوین خود، دانش - فناوری نوپدیدی است که با هدف پیش بینی و خلق مطلوب‌ترین آینده‌های ممکن، از مجموعه وسیعی از ابزارها و روش‌های علمی و حتی هنری بهره می‌برد. تبیین این که تغییر یا تغییرات امروز برواقعیت فردا چگونه تأثیر خواهد گذاشت، بازتابی از فعالیت‌های آینده پژوهانه است.

شایان ذکر است که مراد از بعد فناورانه آینده پژوهی، کاربرد مهارت‌ها، نوآوری‌ها، توانمندی‌ها و ابزارهای دانشی در حوزه آینده پژوهی است که به تغییرات بنیادین در تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات آینده پژوهانه منجر می‌شود. به عنوان مثال، استفاده از مهارت‌ها و

1. Humanism
2. secular
3. Possible, Probable and Preferable Futures

ابزارهای خلاقیت و نوآوری یکی از وجوه فناورانه‌ای است که در حوزه آینده‌پژوهی از اهمیت بالایی برخوردار است.

ویژگی‌های آینده‌پژوهی

- از میان ویژگی‌های اصلی تفکر آینده‌نگر که در تبیین آموزه‌های مهدویت قابل بهره‌برداری است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. مشارکتی، هنجاری، پویا و مبتنی بر اجماع خبرگان؛
 ۲. تلاش در ارائه الگوها، مدل‌ها و سناریوهای آینده؛
 ۳. جامعیت، نگاه جهانشمول و کلان‌نگری و دربر گرفتن موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...؛
 ۴. اهمیت دادن به اقدامات فردی یا جمعی به عنوان عامل محرک روندها؛
 ۵. تلاش برای فهم ممکنات و امور امکان‌پذیر (آینده‌های ممکن)، امور احتمال‌پذیر (آینده‌های محتمل) و مرجحات (آینده‌های مطلوب)؛
 ۶. تلاش در درک بهتر و شفاف از تصاویر آینده (بل، ۲۰۰۳).

نظام جامع فکری و فلسفی مهدویت

بر اساس نگاه شیعه، تفکر مرتبط با ظهور انسان کامل و آخرین ذخیره الهی، دربرگیرنده نظام فکری متعالی است که آن را با عنوان «مهدویت» می‌شناسیم. شیعه در نگاه بنیادین خود بر این باور است که انسان کامل و موعود امت‌ها که به حسب ظاهر از نظرها غایب است؛ همچنان منشأ خیر و برکت برای جهان و ساکنان آن است.

این نظام متعالی دربردارنده اصول و معرفت‌هایی بسیار غنی است. روایات مهدویت، بویژه آنچه در نهج‌البلاغه و بحث ملاحم و پیشگویی‌ها وجود دارد، با حکمت‌ها و معرفت‌هایی متعالی برای تمام جوامع همراه است.

گونه‌شناسی روایات مهدویت

در ادامه، لازم است نگاهی داشته باشیم بر ساختار و شاکله مباحث مهدویت و آنچه در

بررسی مهدویت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پرواضح است که مباحث مهدویت، بر آیات کریمه قرآن و روایات صحیح رسیده از معصومان بزرگوار استوار است و به طور طبیعی می‌توان دریافت که پیش‌نیاز و مقدمه هرگونه پژوهش در این جهت، دسته‌بندی تحلیلی آیات و روایات مهدویت است تا بتوان میان مهدویت و آینده‌پژوهی ارتباط منطقی‌تری برقرار کرد. از این رو، یکی از مبادی مهم پژوهش در این قلمرو، «گونه‌شناسی روایات مهدویت» است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روایات مهدویت از چهار جهت آینده را ترسیم می‌کنند:

۱. شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور؛

۲. حوادث پس از ظهور؛

۳. دولت پس از ظهور (اهداف و ماموریت‌های آن)؛

۴. وظایف مؤمنان منتظر.

ابعاد مذکور، در ادامه مباحث به شکل تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تحلیل کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت

بنابر مقدمات پیشین، می‌توان برای درک و فهم آموزه‌های بنیادین و آسمانی مهدویت، از کارکردها و اصول منطقی و عقلایی آینده‌پژوهی کمک گرفت. از این رو، آنچه در ادامه می‌آید، تحلیلی است بر کارکردهای آینده‌پژوهانه آموزه‌های مهدویت:

کارکرد معرفت‌شناختی^۱

یکی از ابعاد یا اضلاع شناخت علوم در رویکردهای نوین به علم، بررسی «مبانی معرفت‌شناختی» آن‌هاست. آینده‌پژوهی نیز به مقتضای مبانی معرفت‌شناختی و مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، دربرگیرنده رویکردهایی بنیادین نسبت به موضوع مورد

1. Epistemological

بررسی خود یا همان مولفه آینده است. با این نگاه، وجود «رویکردهای اکتشافی»^۱ و «تصویرپردازانه»^۲ در آینده‌پژوهی در فهم اندیشه آرمان‌شهر مهدوی موضوعیت بسیار مهمی دارد؛ زیرا با نگاه آینده‌پژوهانه به اقسام روایاتی که در باب شرایط و علائم زمان ظهور وجود دارد؛ فهم جامعی از این روایات به دست می‌آید؛ به ترتیب زیر:

رویکرد اکتشافی^۳

مجموعه احادیثی را که در زمینه شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام صادر شده‌اند، می‌توان ناظر بر رویکرد اکتشافی دانست. توضیح این که رویکرد اکتشافی بر آینده‌های باورپذیر متمرکز بوده و شکل‌گیری رویدادهای باورپذیر آینده نیز تابع سلسله قوانین و سنت‌های طبیعی و محتوم است که در پرتو روابط علت و معلولی و با پیگیری روندها و رویدادهای گذشته تا حال می‌توان خط سیر آن‌ها را تعقیب کرد. آینده‌پژوهان بر مبنای رویکرد اکتشافی و برحسب محاسبات عقلی و علمی در جهت این پیش‌بینی تلاش می‌کنند که در آینده چه چیزهایی قابلیت تحقق داشته و چه رویدادهایی بر آینده تأثیرگذار خواهند بود. بر این اساس، اخبار مبتنی بر وقوع رویدادی مهم در آینده، ناظر بر زنجیره علت و معلولی رویدادها هستند و دقت در آن‌ها کاشف رویدادی مهم در آینده است. به عنوان نمونه در حدیثی معتبر از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل نفس الزکیه و الیمانی....؛ پیش از ظهور قائم علیه‌السلام پنج نشانه محقق می‌شود: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در بیدا (مکانی نزدیک مکه)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۲۴۵).

همان گونه در روایت مذکور مشاهده می‌شود، پنج عامل به عنوان شرایط و مقدمات ظهور

1. Exploratory
2. Imaginary
3. Exploratory

مطرح شده؛ به گونه‌ای که وقوع هر کدام می‌تواند در جهت نزدیک‌تر شدن به دوران ظهور و کشف شرایط مختص آن دوران دلیل یا راهنمایی منحصر به فرد قلمداد گردد. بدین ترتیب، چنین اخباری مسیر روندهای حال و آینده را برجسته‌تر می‌سازند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که امامان بزرگوار شیعه با بیان چنین روایاتی توانسته‌اند اذهان شیعیان را پیشاپیش به رویدادهای تاثیرگذار بر آینده متوجه سازند تا در زمان وقوع چنین شرایطی، برای آمادگی و سازندگی مطلوب‌تر آن‌ها زمینه لازم فراهم گردد.

در همین جهت، بخشی از روایاتی که به پیشگویی‌های ائمه در خصوص رویدادهای آینده اختصاص دارند (با عنوان اخبار ملاحم و فتن) با رویکرد اکتشافی مرتبط بوده که با تحلیل این روایات می‌توان از اخبار ظهور برداشتی اکتشافی نمود؛ نظیر این روایت از امام محمد باقر علیه السلام:

گویی قومی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند؛ حق را می‌طلبند؛ اما به آن‌ها داده نمی‌شود؛ ولی آنان از پای نمی‌نشینند. از این‌رو سلاح به دست می‌گیرند؛ در نتیجه آنچه می‌خواستند، به آن‌ها داده می‌شود و آن‌ها نمی‌پذیرند تا آن‌که قیام می‌کنند و حکومت را فقط به صاحب شما تحویل می‌دهند. کشته‌شدگان آن‌ها، شهیدند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم، وجودم را برای صاحب این امر وقف می‌کردم (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۵۲: ۲۴۳).

خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵ و حکمت‌های ۱۴۷ و ۲۵۹ نمونه‌هایی از اخبار قطعی آخرالزمان است.

رویکرد تصویرپردازانه^۱

«رویکرد تصویرپردازانه آینده‌پژوهی» با روایات مرتبط با مهدویت سازگاری و پیوند عمیقی دارد؛ زیرا آرمان حقیقی بشر و چشم‌انداز برتری که در پهنه هستی می‌تواند محقق شود؛ در این‌جا ترسیم می‌شود. آینده‌پژوهی تصویرپردازانه رکن مهمی از آینده‌پژوهی است که با خلق آینده‌های مرجح و چشم‌اندازهای برتر سروکار دارد. افزون بر این که تحقق جامعه پایدار و

1. Visionary

دارای رفاه بشر، یکی از اهداف بنیادین بشری است. هویلی^۱ به نقل از ادوارد کورنیش^۲ - از آینده‌پژوهان برجسته و مؤسس انجمن جهانی آینده- به سه هدف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها همین موضوع است:

آینده‌پژوهی، متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشر از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن، انسان‌ها بخوبی تغذیه می‌شوند؛ لباس‌های فاخر می‌پوشند؛ از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان از امنیت و رفاه اجتماعی سرشار است؛ نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است (هویلی، ۱۹۹۵).

آینده‌پژوهان و نیز رهبران بزرگ، به مقتضای این رویکرد، پیشاپیش آرمان‌های مطلوب و مورد انتظار خویش را در ذهن خود ترسیم و تصویر می‌کنند. آن‌گاه افراد و جوامع را به سوی آن سوق داده و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده می‌گردند. در مقوله روایاتی که در خصوص دولت پس از ظهور، اهداف و مأموریت‌های آن وجود دارد؛ بخوبی می‌توان دریافت که امامان بزرگوار و معصوم ما زیباترین وضعیت ممکن از آینده را به تصویر کشیده و جامعه مسلمانان را برای تمامی اعصار و زمان‌ها، به سوی آن راهبری کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به روایاتی اشاره کرد؛ از جمله این که رسول اکرم ﷺ فرمودند:

و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ سلطنت مهدی ﷺ شرق و غرب عالم را در بر خواهد گرفت. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۳۱).

همان گونه که مشاهده می‌شود، نوید برپایی دولت یا حکومت مطلوب اسلام که مطلوب تمامی انسان‌ها بوده و هست، در این سنخ روایات، به عنوان مطلوب‌ترین تصویر آینده بخوبی ترسیم شده تا جهان در رسیدن به این آینده و محقق ساختن چنین دولت ارزشمند و مطلوبی از حرکت سازنده خویش غافل نماند.

1. Hoyle
2. Edward Cornish

کارکرد روش شناختی^۱

«آینده‌پژوهی عرفی»، به پیروی از علوم طبیعی و انسانی در کمی و کیفی‌سازی روش‌های پژوهش، از سه مؤلفه یا ابزار «تجربه»، «عقل» و در مواردی از «شهود»^۲ بهره می‌گیرد. از طرفی، ابزار علوم تجربی، تجربه و ابزار فلاسفه، عقل و منطق است و این دو ابزار در آینده‌اندیشی و بویژه روش‌هایی که بر اجماع خبرگان و پیمایش‌های کمی مبتنی هستند، حضوری جدی دارند؛ زیرا خبرگان از آن رو واجد اهمیت هستند که در زمینه علمی و مورد تخصص خود حامل تجربیات گسترده‌ای هستند و تفکر فلسفی نیز جنبه نرم‌افزاری و یا بعد کیفی آینده‌پژوهی است که با ابزار خرد و تفهّم بشری سروکار دارد. مؤلفه یا ابزار اشراق و شهود نیز در روش‌های کیفی، بویژه روش‌هایی که بر خلاقیت و ژرف‌اندیشی به منظور بهره‌گیری از ضمیر ناخودآگاه بشری مبتنی هستند، کاربرد دارند. روش‌های آینده‌پژوهی بر درک و فهم عقلایی و شهودی از قضا و مختصات زمان آینده، برای مدیریت فاعلانه بر آن مبتنی است.

با این مقدمه باید گفت روش‌های آینده‌پژوهی همچون سناریوپردازی، نقشه راه و طراحی چشم‌انداز، از جمله روش‌هایی هستند که در فرایند درک و فهم بهتر آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند نقش موثری اجرا کنند، به عنوان شاهدی بر کارکرد روش شناختی آینده‌پژوهی، به یک مورد اشاره می‌شود:

روش سناریوپردازی: در این روش که نخستین بار توسط یکی از آینده‌پژوهان برجسته به نام هرمان کان^۳ معرفی شد؛ تصاویری از آینده‌های محتمل به شکل روایت‌های داستانی و جذاب ترسیم و به جامعه معرفی گردید. این روایت‌ها در واقع، احتمالات و صورت‌های مختلفی از آینده‌های ممکن و محتمل هستند که بر اساس مطالعات و بررسی‌های عمیق و چندین ساله گروهی از خبرگان عرصه‌های گوناگون علمی پیش‌بینی شده‌اند. وظیفه خبرگان

1. Methodological
2. intuition
3. Herman Kahn

و مردم این است که از هر جهت، برای رویایی با هر کدام از این احتمالات یا بدیل‌های محتمل آینده، آمادگی لازم را کسب کنند تا در صورت مواجهه با هر کدام از این آینده‌های احتمالی، از مخاطرات و پیشامدهای همراه آن غافل نباشند و با اقداماتی از پیش طراحی شده آمادگی دفع آن‌ها و غلبه بر آن‌ها را داشته باشند. افزون بر این، باید پیشران‌ها یا حوادثی که محرک وقوع هر کدام از این احتمالات خواهد بود نیز، مورد شناسایی قرار گیرد. این روش در قلمرو مهدویت از این کارایی برخوردار است؛ بدین صورت که با استناد به روایات صحیح رسیده از معصومان و استفاده از تکنیک پس‌نگری، می‌توان گام‌ها و مسیرهای رسیدن به حال را از سوی آن سناریو یا آینده مطلوب ترسیم کرد. قابل ذکر است که پس‌نگری به عنوان یکی از تکنیک‌های سناریوپردازی، شیوه‌ای از پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی بلندمدت است که در آن، یک رویداد در آینده قطعی و مسلم تلقی شده؛ سپس این نکته مطرح می‌شود که آن رویداد چگونه به زمان حال منتهی می‌شود.

کارکرد هستی‌شناختی^۱

بنابر دیدگاه «هستی‌شناسی»، وصف‌های گوناگونی از آینده‌پژوهی و ابعاد تشکیل دهنده آن ارائه شده که میان آن‌ها، دیدگاه آینده‌پژوه برجسته، جیمز دیتور،^۲ جامع‌ترین وصف هستی‌شناختی از ابعاد آینده‌پژوهی است. دیتور بر این باور است که آینده از تعامل و همگرایی چهار مؤلفه «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد (دیتور، ۱۹۹۶)؛ بدین معنا که در طراحی اقدامات آینده، باید به این چهار نکته توجه اساسی کرد؛ زیرا کنش‌ها یا اقدامات آینده بشر، بر مبنای تصاویری است که او در ذهن و ضمیر خود می‌پروراند. همین‌طور روندهای حاکم بر گذشته و حال که می‌توانند مسیر آینده را تا حدودی روشن و شفاف نشان دهند و نیز رویدادهای مرتبط با بشر که بر جوامع و انسان‌ها آثار عمیقی می‌گذارند؛ مولفه‌هایی هستند که آینده‌پژوهان نسبت به آن‌ها اعتنای ویژه‌ای نشان می‌دهند. به اعتقاد

1. Ontological
2. James Dator

دیتور و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مولفه آخر، یعنی «تصاویر» و «اقدامات»، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری که از آینده دارند، انجام می‌دهند. در واقع یکی از ماموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا آنان تصویرها و اقدامات خود را از محدوده کوشش‌های منفعلانه فراتر برده و بکوشند آینده را پیش‌نگری کرده و آن‌گاه بر مبنای این پیش‌نگری‌ها طرح‌های عملی خود را پیش ببرند (دیتور، ۱۹۹۶). به همین دلیل، آینده‌پژوهی را «علم اقدام»^۱ نامیده‌اند؛ علمی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه به منظور مدیریت عاملانه و فاعلانه بر آینده است.

در نامه‌ای که از امام عصر علیه السلام رسیده، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی که در واقع کنش یا اقدامی زمینه‌ساز در جهت نزدیک شدن و تقرب به آن حضرت است؛ اشاره می‌فرمایند و آثار اعمال شایسته و کنش‌های ارزشمند را بر می‌شمردند و تصویری مطلوب از پیامدهای عمل به این دستورها را متذکر می‌شوند:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَقَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا مَا يَحْسِنُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكَرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما که خداوند آنان را بر انجام دادن طاعت خویش موفق گرداند! در عمل به پیمانی که بر عهده دارند، همدل می‌شدند؛ افتخار دیدار ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد؛ دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما؛ و آن چه ما را از شیعیان دور نگه می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دوراز انتظار است (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۵۳: ۱۷۷).

همان گونه که در این روایت مشاهده می‌شود، یکی از ابعاد تشکیل دهنده و سازنده آینده که همان اقدام یا کنش شایسته از سوی موالیان امام علیه السلام است، مورد توصیه آن حضرت واقع شده و آن عبارت است از عمل به پیمان معهود الهی.

بر اساس دیدگاه هستی‌شناختی به اخبار مهدویت، جمیع روایات مرتبط با آرمان‌شهر مهدوی که از دوران پس از ظهور و برپایی حکومت جهانی حضرت در آینده‌ای قطعی خبر می‌دهند؛ با مولفه آینده‌پژوهانه تصویر در ارتباط هستند و به نوعی تصویرسازی آن دوران آرمانی حکومت صالحان بر روی زمین را نوید می‌دهند. بنابر این دیدگاه، آنچه امروزه با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی از آن یاد می‌شود، به لحاظ هستی‌شناختی، دارای ماهیتی مغایر با آرمان بزرگ اسلام و بشریت قلمداد می‌شود؛ زیرا در منطق دنیای امروز، جهانی شدن به مثابه یک پروژه یا پروسه (فرایند) به حساب می‌آید؛ پروژه‌ای تحت هدایت گروهی اندک و یا پروسه‌ای به شکل یک حرکت طبیعی به سمت تحقق منافع عده‌ای یا جامعه‌ای خاص. اما نگاه هستی‌شناختی اسلام به مقوله جهانی شدن عبارت است از حرکت محتوم الهی به سوی آینده‌ای مطلوب و سرشار از مساوات و عدالت برای تمامی بشر، نه حرکت به سمت سلطه و انتفاع گروهی خاص. در این منطق، جهانی سازی نیز عبارت است از تلاش و اقدام آگاهانه جهت تحقق وعده قطعی الهی در برپایی حکومت عدل صالحان و پاکان بر روی زمین.

کارکرد ارزش‌شناختی^۱

بنابر «کارکرد ارزش‌شناختی»، یکی از مولفه‌های ارزشی و مورد تأکید در تفکر آینده‌نگر، مفهوم آمادگی و هشیاری نسبت به آینده به منظور غافل نماندن از آینده و رویدادهای محتمل همراه با آن می‌باشد. کارکرد ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی، به برجسته‌سازی معیارهای اخلاقی در مواجهه با آینده ناظر است. به عنوان مثال، یکی از مفروضات مهم آینده‌پژوهی توجه به رفاه و آسایش نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی‌های زمان حال است؛ بدین شکل که در استفاده از ذخایر موجود، توجه به حقوق آیندگان شدیداً از اهمیت برخوردار است.

براین مبنا و با اتخاذ چنین نگاهی به آموزه‌های مهدوی، می‌توان به فهم آن دسته از روایاتی پرداخت که از فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه و توصیه در اخبار مهدوی

1. axiologic

سخن می‌گویند. به عنوان مثال، یکی از محورهای مورد تاکید در این روایات، مسئله «انتظار» است. از نگاه ارزش‌شناختی، بخش مهمی از اخبار و آثار مهدوی، در زمینه فضیلت انتظار، حرکت سازنده، وظایف منتظران (برای حال و آینده) و مفاهیمی از این دست سخن می‌گویند و رویکرد ارزش‌گرایانه آن، تماماً در جهت ایجاد آمادگی و تهیاً برای آینده است. این بخش از روایات، انتظار را در مفهوم «فاعلیت» و «عاملیت» مسلمانان و دوری از «انزوا» و «رفتار انفعالی» ترسیم می‌کنند؛ انتظاری که با کنش^۱ و کنش^۲ آگاهانه به سوی اهداف متعالی دین همراه است. روایات، برای انتظار، آثار، فواید، پیامدها و درس‌های بی‌شماری را مترتب ساخته و نشان می‌دهند که موضوع انتظار در اسلام نه تنها به عنوان راهبردی متعالی فضیلت دارد؛ بلکه نسبت به تمامی برنامه‌های کلان جامعه افضل است. در واقع، موضوع انتظار در مسیر تحقق آینده، بتنهایی موضوعیت داشته و در تحقق آرمان شهر مهدوی، توجه به ابعاد گسترده و عمیق مفهوم انتظار راهبردی اساسی به شمار می‌رود. از این‌رو، از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، تعابیر فراوانی چون *افضل الاعمال* (همان، ج ۵۲: ۱۲۲) یا *من افضل العباده* (همان: ۲۵) یا *افضل الجهاد* (همان: ۱۴۳) برای انتظار فرج صادر شده که مجموعه این تعابیر با نگاه آینده‌اندیشانه بر توصیه به یک راهبرد مهم و حیاتی دلالت می‌کنند و آن، تصور، تجسم یا احساس زندگی در دوران فرج است. به طور خلاصه، روایات انتظار مشتمل بر پیام‌های آینده‌پژوهانه‌ی بنیادین زیر هستند و به این دلیل اهمیت دارند که تفکر انفعالی و ایستا و نیز انتظار برای فراگیر شدن معاصی را منتفی ساخته و انتظار پویا، آینده‌نگر و هویت بخش را به ارمغان می‌آورند:

- تأکید بر نگاه و توجه دائمی به دوران ظهور، نه منتظر ماندن برای رسیدن آن دوران. از این روست که در تعابیر امامان، انتظار فرج جزئی از فرج دانسته شده است؛
- پویایی و حرکت؛

1. action
2. tension

- مدیریت بر عصر انتظار و لوازم؛ آن همچون پرهیز از پیشگویی (زمان ظهور) که در روایات از آن نهی شده است؛
- توجه به اقدامات جمعی آینده‌نگر یا پیشران‌های تحقق ظهور دولت مهدوی؛
- تعیین شاخص‌های نزدیک شدن به عصر ظهور.

کارکرد نشانه‌شناختی^۱ آینده‌پژوهی

در جهت برنامه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی برای ترسیم سناریوها و تصاویر آینده، نمی‌توان از رویدادهای تأثیرگذار بر آینده یا همان پیشران‌ها^۲ و نیز علائم ضعیف^۳ تغییر غافل شد. در واقع، یکی از کانون‌های توجه آینده‌پژوهی موضوع پیشران‌ها و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر آینده و نیز علائم ضعیف تغییر است. علائم حتمی یا غیر حتمی ظهور را که پیش‌زمینه عصر ظهور هستند، از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان‌شهر مهدوی و از جهاتی علائم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه آرمانی ظهور قلمداد کرد؛ زیرا روایات بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده علائم ظهور بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده حتمی دلالت می‌کند و از تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند با علائم مشاهدتی، جهت درک و فهم آینده و آمادگی هرچه بیش‌تر برای رسیدن به آن زمینه لازم فراهم می‌شود. از این رو، به زبان آینده‌پژوهی، توجه به علائم ضعیف تغییرات، همان علائم ظهور به زبان مهدویت محسوب می‌شود.

نکته مورد اهمیت و اشتراک در هر دو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر پایش^۴ و پویش^۵ تغییرات صحنه می‌نهند. روایات نیز مفهوم تهیاً و آمادگی را مورد توجه فراوان قرار می‌دهند و معصومان بزرگوار ما، همواره پیروان خود را به آمادگی و انتظار توصیه کرده‌اند؛ آمادگی برای غافل‌نماندن از هر علامت

1. Semiotic
2. drivers
3. weak signals
4. scanning
5. scimming

ضعیفی از تغییر و غافل نماندن از رویدادی شگفت‌انگیز که احتمال وقوعش بظاهر کم است؛ اما تاثیراتش غیرقابل پیش‌بینی. کارکرد نشانه‌شناسی ارائه مکانیزم یا سازوکار هشدار سریع و بهنگام برای مواجهه با آینده و رویدادهای محتمل آن است.

در نوع روایاتی که از ائمه علیهم‌السلام نسبت به علائم حتمی صادر شده است، تاکید بر این بوده که نباید نسبت به علائم حتمی و پیش‌ران‌های ظهور بی‌توجه و غافل بود. به عنوان نمونه، تاکید بر ناگهانی بودن ندای آسمانی و حرکت سفیانی، مؤید این نکته است که آخرالزمان نشانه‌هایی دارد که باید آن‌ها را شناخت و نسبت به آن‌ها آگاهی عمیق پیدا کرد. باید به میزان کافی نسبت به رویدادهای محتمل آینده و پیش‌زمینه‌ها و علایم پیش از وقوعشان حساس بود. بنابراین، یکی از مزایای اتخاذ چنین رویکردی، ایجاد حس تعهد نسبت به آینده و فرصت‌ها و مخاطرات آن خواهد بود.

نتیجه

آینده‌پژوهی به عنوان شاخه‌ای جدید از علوم نظری جدید، مختصات معرفت یا دانشی جامع را داراست که تا امروز مسیرهای تکاملی ویژه‌ای را طی کرده است و ویژگی مهمی که آن را برجسته می‌سازد، ابعاد روش‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و نشانه‌شناختی آن است. از این رو، می‌توان به عنوان یکی از چارچوب‌های معرفتی و نظری در شناخت و اکتشاف اخبار مهدویت از آن بهره گرفت. هرچند اخبار وحیانی مهدویت، خود از هر نوع ابزار بشری آگاهی رسانی مستغنی است؛ می‌توان از نظام فکری و فلسفی و ابعاد سازگار آن با نظام مهدویت بهره گرفت تا روشنگری و ایضاح بهتر و بیش‌تری در ذهن مخاطبان نسبت به اخبار آرمان‌شهر مهدوی ایجاد گردد. براین اساس، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی متضمن مفاهیم، تکنیک‌ها، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده به منظور فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت کاربرد مناسبی دارند. در مجموع باید گفت درونمایه اصلی مهدویت، همچون آینده‌پژوهی، موضوع آینده است و از آن‌جا که یکی از مصادیق غیب در اندیشه اسلام، موضوع آینده است، در می‌یابیم که در

متون دینی ما در تبیین ویژگی‌های جهان آخرت و آخرالزمان تعمّدی وجود دارد. حتّی از نقیض این گزاره نیز به اهمیت آینده مورد اشاره پی می‌بریم؛ بدین شکل که اگر اراده خداوند بر این تعلق می‌گرفت که خبری از آینده مطرح نشود، قطعاً این کار صورت می‌گرفت؛ حال آن که بنا بر اراده الاهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد، یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین قرار گرفته و همان‌گونه که مشاهده شد، بخش بزرگی از آیات و روایات به دو آینده محتوم دنیوی (مهدویت) و اخروی (معاد) اختصاص یافته است که ضرورت دارد به هر شکل ممکن در تبیین و ایضاح نظام آینده‌نگری اسلام تلاش عالمانه و محققانه صورت گیرد.



سال سیزدهم / شماره ۴۰ / بهار ۱۳۹۲

Archive of SID

منابع

قرآن کریم

۱. آمدی (۱۳۷۸). *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۴). *الحیة*، ترجمه آرام احمد، ج ۱، چاپ ششم، انتشارات دلیل ما.
۳. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ نوزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، خطبه ۱۳۸.
۴. صدوق، محمد (۱۳۹۵هـ.ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *کافی*، ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای، چاپ سوم، قم، انتشارات اسوه.
۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۷هـ.ق). *بحار الانوار*، لبنان، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی.
۷. نعمانی، محمد (۱۳۶۶). *الغیبة*، به تصحیح استاد غفاری، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق.
8. Bell, Wendell. (2003), *Foundations of Futures Studies*, New Brunswick (USA) and London (UK), Transaction Publishers.
9. Hoyle, John (1995), *Leadership and Futuring: Making Visions Happen*. Thousand Oaks: Corwin Press.
10. Inayatullah, Sohail. (2007), *Questioning the Future*, Tamkang University, Taiwan
11. Slaughter, Richard. (1996), *New Thinking for a New Millennium*. Routledge & London and New York.

تحليل عمل الإتجاهات والرؤى وتأثيرتها على التعاليم المهدوية

المتعالية من منظار الدراسات المستقبلية

سعيد قرباني^١

لا يختلف إثنان بأن الدراسات المستقبلية هي مجال وإختصاص جديد نسبياً وهو بلحاظ الأنتشار والتوسعة والتنوع في المجالات المختلفة وذات الشأن يعد علماً مهماً للغاية بالنسبة الى البلدان والمجتمعات بشكل اصبح اليوم يشكل واحداً من أبرز وأهم الوسائل والاليات الفعالة فى إتخاذ القرارات ذات المنفعة وفى هذا الصدد نرى ان الدول والبلدان القوية تقوم بتلك الدراسات وذلك لاجل الحصول على مكاسب تنافسية وبسط نفوذها وهيمنتها على العالم. وايضاً فإن هذه الدراسات لها القدرة والقابلية على تكثير الرؤى والإتجاهات الفعالة والقوية وتعين البوصلة التى يمكن الحركة على ضوئها فى مجال الدراسات والأبحاث المستقبلية.

ومما لاشك فيه فإن المنظومة الفكرية الإسلامية وخاصة الشيعية هي الأبرز والأفضل من بين المذاهب الفكرية الإنسانية ولها إمكانية كبيرة وشواخص واضحة على توضيح وتبيان الحقائق والمسائل المستقبلية، وبالطبع فإن واحدة من تلك العقائد والحقائق المتعالية فى هذه المنظومة هي العقيدة المهدوية وكما يعلم الجميع فإن الأعتقاد بالمنقذ والمصلح فى آخر الزمان هو موضوع وعقيدة قد أتفتت عليه أكثر الأديان والمذاهب ولكن القضايا والتعاليم والأمرور المستقبلية التى تعتمد على مسألة الوحي لا يؤمن بها إلا المذهب الشيعى والتعاليم المهدوية ومن هنا فإن المطلوب حصول دراسات معمقة وجامعة وشاملة فى المنظومة المهدوية المستقبلية. واما المقالة هذه فهى بصدد القيام بدراسة تحليلية عامة فى مجال المهدوية وميولاتها وعملها والأغراض التى يمكن تحقيقها من القيام بتلك الدراسات وذلك بالاستناد على المصادر الشيعية المعتبرة ويقع هذا البحث فى دائرة أبحاث علم المعرفة الفلسفية ويشمل أبعاد خمسية وهى «المعرفية»، «الاسلوب المعرفى»، «المعرفة الوجودية»، «المعرفة القيمية»، «معرفة الأدلة والعلامات» وكما تظهر نتائج وثمارات التحقيق فإن المنظومة المعرفية للدراسات المستقبلية تتضمن مجموعة من المفاهيم والاساليب والاليات والطرق التى تتناغم معها ولها استعمالات ومدخليات مناسبة فى توسعة رقعة المطالعات والدراسات وكذلك فهم وإدراك التعاليم الإلهية والمهدوية على حقيقتها.

المصطلحات المحورية: المستقبل، الدراسات المستقبلية، المهدوية، المدينة المهدوية الفاضلة، النتائج.

١. عضو فى الهيئة العلمية فى جامعة مالك الاشرى الصناعية.